

نقش تعاونیها در فرآیند تعدیل ساختاری: چالشهای نو و رهیافت سازمان بین‌المللی کار^۲

نویسنده: جرج ون مارال

مترجم: سید شمس‌الدین حسینی (تکابنی)

فلاصه:

این مقاله به اختصار سیاستها و ابزارهای برنامه‌های تعدیل ساختاری (SAPS) و اثرات آنها بر تعاونیها را توصیف می‌کند. رهیافت سازمان بین‌المللی کار (ILO) در رابطه با برنامه‌های تعدیل ساختاری را بصورت عمومی و برای تعاونیها بصورت خاص ارائه می‌کند. به برنامه‌های تعدیل نه فقط بعنوان عواملی که بر روشهای سنتی توسعه تعاونیها اثر می‌گذارند، بلکه بصورت چالشهای نو (new challenges) می‌پردازد. تعاونیها به عنوان سازمانهای داوطلب و خود اتکاء از تولید کنندگان و مصرف کنندگان کوچک حمایت می‌نمایند. آنها بویژه برای گروههای آسیب‌پذیر، زنان، جوانان، سالخوردهگان و جوامع قبیله‌ای مفید هستند. علاوه بر اینها نقش تعاونیها در تقویت سیاستها و شیوه‌های دموکراسی قابل توجه است.

مقدمه:

سمپوزیوم بین‌المللی مدیریت تعاونیهای روستایی در زمانی برگزار شده که تغییرات شدیدی در خیلی از مناطق جهان رخ داده است. طی گذشت چند سال، اقتصاد بیشتر کشورهای در حال توسعه به شدت روبه زوال رفته و ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی فرو ریخته‌اند. بدین ترتیب برنامه تعدیل ساختاری حتی اگر تنها در بلندمدت با موفقیت همراه باشد به عنوان استراتژی ارجح برای معکوس ساختن این روند تلقی

گردیده است، از یک سو تغییرات فوق‌رخ داده و آثار قابل توجه آن بر روی انواع تعاونیها در اکثر کشورها تداوم دارد و از سوی دیگر، تعاونیها به عنوان سازمانهای داوطلب، مردم محور (People-centred) و خودیار (self-help) دارای توان بالقوه بالایی برای کمک رساندن به اهداف بلندمدت برنامه‌های تعدیل ساختاری و تخفیف آثار جانبی منفی این برنامه‌ها می‌باشند. این دوره تغییرات، همچنین بصورت گسترده، سیاستها و عمل سازمان بین‌المللی کار را تحت تأثیر قرار داده است. این سازمان با چالشهای گسترده‌ای پیرامون مشارکت تعاونیها در کشورهای در حال توسعه سابقاً سوسیالیست اروپای مرکزی و شرقی - برای فائق آمدن بر بحران، تقویت و تجهیز بهتر اعضایشان و در نتیجه کمک به توسعه اجتماعی و اقتصادی آنها مواجه می‌باشد.



رهیافت سازمان بین‌المللی کار برای تعدیل ساختاری:

در مواجهه با زوال تدریجی اقتصاد بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بعد از نیمه دهه ۱۹۷۰، تعدیل ساختاری سرلوحه مباحثات اقتصادی در سراسر جهان قرار گرفته است. و آی-ال-اُو (ILO) هم مشارکت قابل توجهی در این مباحثات داشته است. بواسطه گفتگوی سه‌جانبه، این اتفاق نظر وسیع در آی-ال-اُو (ILO) حاصل شده که تعدیل ساختاری اجتناب‌ناپذیر است و با حداکثر سرعت ممکن بایستی تعقیب شود. اما آی-ال-اُو (ILO) برخلاف عملکرد سیاستهای تعدیل ساختاری بوضوح از آندسته سیاستهای تعدیل ساختاری، طرفداری می‌کند که طبقه شاغل و طبقات فقیرتر را قربانی ننماید.

رهیافت ILO برای تعدیل ساختاری در چند مورد تعریف شده و براساس تجربه اندوخته شده قوام یافته است. این سازمان با دنبال نمودن چهار خط عمده زیر در طول فرآیند تغییر، کشورهای عضو را جهت می‌دهد: اول افزایش اشتغال، توسعه منابع انسانی و قاعده‌مند ساختن سیاستهای فعال نیروی کار، دوم، تلاش برای کاهش هزینه اجتماعی تعدیل، سوم، کاهش فقر، بیکاری و اشتغال ناقص و سرانجام کمک در جهت یک تغییر پایدار و عادلانه می‌باشد.

ابزارهای اصلی و هزینه‌های اجتماعی برنامه‌های تعدیل ساختاری:

برنامه‌های تعدیل ساختاری کاهش انحرافات اقتصادی (economic distortions) و عدم توازن

بودجه را که از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند، هدف قرار داده است، لیکن ابزارهای اساسی برنامه تعدیل که بطور مشابه در همه جا بکار گرفته می‌شوند، عبارتند از:

- آزادسازی اقتصادی از طریق مقررات زدایی^۵، برای مثال: حذف کنترل قیمت‌ها یا آزادسازی تجارت خارجی، تمرکززدایی^۶ و رسمیت زدایی^۷؛

- کاهش کسریهای بودجه از طریق قطع پرداخت یارانه‌ها، کاهش مخارج اداره عمومی دولت، و خدمات اجتماعی، اخراج

برنامه‌های تعدیل ساختار، اغلب فرآیند مشقت‌باری هستند که هزینه‌های اجتماعی بالایی را دربر دارند. این هزینه‌ها معمولاً بیشترین رنج را به فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد جامعه تحمیل می‌کنند (هوانگ و نیکلاس ۱۹۸۷) برخی از آثار اجتماعی منفی و جانبی برنامه‌های تعدیل عبارتند از:

- افزایش قیمت مواد غذایی که بطور حتم به کشاورزان فقیر و بدون زمین و شهروندان فقیر حداقل در کوتاه‌مدت صدمه زده و هزینه‌های مصرفی حمل و نقل، آب و

بالقوه قابل توجهی برای تخفیف آثار زیان‌آور اقدامات برنامه‌های تعدیل هستند لیکن این توان بالقوه به شرایط زمینه^۸ مربوطه بستگی دارد.

تعاونیها در مناطق روستایی و تعدیل ساختاری؛

اقدامات تعدیل ساختاری در کشورهای که در مناطق روستایی آنها مؤسسات عمومی از قبیل هیئتهای بازاریابی، شرکتهای عرضه نهاده‌ها تولیدی و بانکهای کشاورزی منحل شده‌اند اثرات فوری و شدیدی دارند.

تعاونیها به عنوان سازمانهای داوطلب، مردم محور (People-centred) و خودیار (self-help) دارای توان بالقوه بالایی برای کمک رساندن به اهداف بلندمدت برنامه‌های تعدیل ساختاری و تخفیف آثار جانبی منفی این برنامه‌ها می‌باشند. این دوره تغییرات، همچنین بصورت گسترده، سیاستها و عمل سازمان بین‌المللی کار را تحت تأثیر قرار داده است.

مستخدمین دولتی و غیره؛

- کاهش رسمی ارزش پول ملی به‌منظور افزایش تولید برای صادرات و کاهش واردات،

- خصوصی سازی و تعطیل مؤسسات عمومی غیر کارآ و سربار.

طی چند ساله گذشته این شناخت مشترک بدست آمده که توافق ملی^۹ برای موفقیت برنامه‌های تعدیل ساختاری ضرورت دارد. بدین ترتیب این برنامه‌ها بایستی بر مشارکت فعال مردم و بسیج کلیه منابع موجود تأکید داشته باشند.

برنامه‌های تعدیل ساختاری که آثار مثبت بلندمدتی را دنبال می‌کنند، فرآیندی سودمند (و در اکثر موارد ضروری) برای تعاونیها که در زمینه‌های مختلف مشارکت دارند، بشمار می‌آیند. اگر چه هزینه‌های گذر^{۱۰} برنامه‌های تعدیل که خوب طراحی شده باشند بوسیله منافع بلندمدت حاصل از رشد بسیار سریع و بالا، توجیه می‌شوند، لیکن

برق را افزایش می‌دهد.

- اخراج کارکنان که در مؤسسات متعلق و یا تحت اداره دولت شاغل بوده‌اند که اکثراً هم از داشتن امکانات تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند و اکنون بدون توجه به فقدان تأمین اجتماعی بیکار شده‌اند.

- عدم تأمین خدمات اجتماعی عمومی، بطور مثال، خدمات پزشکی که در اغلب موارد بخش خصوصی توان یا تمایل به تولید آنها را نداشته و یا به اندازه کافی آنها را تولید نمی‌کند،

- غفلت از اقدامات گسترش آموزش و فراهم ساختن تسهیلات آموزشهای حرفه‌ای که اغلب بعد از دو یا سه دهه بازدهی بالایشان ظهور می‌کند (بورگزدورف ۱۹۹۲).

نقش تعاونیها در فرآیند تعدیل ساختاری؛

تعاونیها بعنوان سازمانهای داوطلب، خود اتکا و خودیار خصوصی دارای توان

در این کشورها یارانه‌های دولتی، امتیازات و حداقل قیمت‌های تضمین شده محصولات کشاورزی در خیلی از موارد قطع و احتمالاً بخش مهمی از دستگاههای حمایتی احتمالاً حذف شده‌اند. تجربه چند کشور آفریقایی که اخیراً مورد مطالعه قرار گرفته‌اند اینچنین بوده است.

تولید کنندگان محصولات کشاورزی اغلب با فقدان شمار قابل توجهی از خدمات که در گذشته دولت مستقیماً و یا از طریق شرکتهای وابسته خود مسئولیت انجام آنها را بعهده داشته مواجه می‌شوند. در این شرایط تعاونیهای عرضه محصولات کشاورزی و بازاریابی می‌توانند با سازماندهی حس خودیاری دوجانبه و وظایف (همیاری) نقش مهمی را در بعهده گرفتن انجام این وظایف ضروری بازی نمایند. در واقع، خیلی از هیاتهای بازاریابی که در سالهای گذشته بعنوان بخشی از اقدامات ملی سازی دولتها خلق شده بودند و

اکنون منحل شده‌اند، بوسیله تعاونیهای بازاریابی که بخوبی از عهده انجام وظایف آنها برمی‌آیند جایگزین می‌شوند. بازارهای خود مدیریتی که در چندین کشور آفریقایی فرانسوی زبان بوسیله طرح آسی.اوپی.ام ACOPAM سازمان بین‌المللی نیروی کار استقرار یافته‌اند، نمونه‌های بارزی هستند که نشان می‌دهند، چگونه سازمانهای تعاونی توانسته‌اند امور بازاریابی را مدیریت کنند.

علاوه بر این، تعاونیهای کشاورزی باید بخش پس‌انداز و اعتباری را نیز دربر داشته باشند، زیرا کاهش مخارج عمومی، بسیج کلیه ابزارهای تأمین مالی محلی را ایجاب می‌کند. تأمین مالی گروه از طریق تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار، کانون پس‌انداز و غیره این مکان را فراهم می‌آورد که، صنعتگران، کشاورزان کوچک و کارفرمایان در مناطق روستایی بتوانند به ابزارهای تأمین مالی متکی به منابع خودی دست یابند. این امر بویژه هنگامیکه بانکهای خصوصی حاضر به اعطای اعتبارات کوچک به این قبیل فعالیتها بدلیل بالا بودن هزینه‌های معاملاتی‌شان نیستند و همچنین نرخ بهره‌های وام‌های بخش غیر رسمی برای کارهای، تولیدی بسیار بالا است، از اهمیت برخوردار است. بعلاوه، معرفی ابداعات بعنوان یکی از عوامل تعیین کننده افزایش بهره‌وری و درآمد به فراهم بودن منابع اعتباری بستگی دارد.

تقابل کنترل دولتی و تعاونیهای مستقل پیرامون تعدیل سافتاری؛

آثار مصیبت بار بطور خاص در کشورهای بروز کرده‌اند که نهضت‌های تعاون بصورت مصنوعی ایجاد شده‌اند، این دسته تعاونیهای تحت کنترل دولت (بعنوان یک قاعده) فاقد ویژگیهای ذاتی و انعطاف‌پذیری لازم بمنظور تعدیل در مواجهه با موقعیتهای جدید، که تغییرات بسرعت

حادث می‌شوند، می‌باشند. این تعاونیها هنگامیکه کمکهای خارجی متوقف می‌گردند از بین رفته و یا ترک گفته می‌شوند.

در مقابل، تعاونیهای اصیل که بوسیله اعضایشان تأسیس و حمایت می‌شوند می‌توانند از حذف انحصارات دولتی و کنار زده شدن مؤسسات عمومی، حداقل در دوره‌های بلندمدت سود ببرند بویژه در مناطق روستایی که اکثر تعاونیهای کشورهای در حال توسعه را در خود جای داده‌اند، سازمانهای تعاونی می‌توانند امور و وظایفی از قبیل خدمات اجتماعی، حمل و نقل، امنیت غذایی پایدار را (که دیگر دولت آنها را انجام نمی‌دهد) به انجام رسانند، زیرا بعید است که کارفرمایان خصوصی انجام این نوع امور را با بکارگیری گروهی از تولید کنندگان کوچک، سودمند ببینند. بنابراین تعدیل ساختاری به منزله صحنه رقابتی بزرگ، برای تعاونیهایی است که بصورت خودیار سازمان یافته‌اند.

تعاونیها ابزار مؤثر و ویژه‌ای برای بکار گرفتن منابع انسانی محروم و ترکیب منابع محلی و پس‌اندازهای قابل توجه - در کشورهاییکه در بحران بسر می‌برند - فراهم می‌آورند. تعاونیها همچنین از طریق پر کردن شکاف منابع در اقتصاد بازار، به تهييج رقابت کمک می‌کنند.

بعنوان مثال، در چهارچوب طرح ACOPAM در کشورهای ساحل^{۱۱} واقع در غرب آفریقا، طرحهای خود مدیریتی آبیاری، بانکهای مربوط به غلات، واسطه‌های اعتباری، فروشگاههای کالاهای مصرفی، همچنین شرکتیهای بازاریابی و عرضه نهاده‌ها کمک مؤثری به تخفیف آثار منفی برنامه‌های تعدیل ساختاری نموده‌اند.

سازمانهای تعاونی خود مدیریتی و غیر متمرکز در از میان برداشتن (جایگزینی) دلالت‌های نهاده‌های تولیدی، تقویت زیر ساختهای روستایی و مدیریت نظامهای امنیت غذایی و ارائه خدمات اجتماعی و طرحهای پس‌انداز و اعتبار موق بوده‌اند. در این موارد تعاونیها، منابع داخلی کشورها که برای تجدید حیات اقتصادشان بسیار مهم هستند را بسیج می‌کنند.

اگر سیاستها طراحی درست و دنبال شوند و شروط زمینه^{۱۲} برقرار باشند، تصور می‌رود بعد از فروپاشی کامل یا جزئی نهضت‌های تعاونی تحت کنترل دولت نهضتی اصیل ظاهر شود. یک سیاست مناسب بدین معنی است که همراه با سیاست رسمیت‌زدایی، مقررات زدایی، تمرکززدایی و ضرورت کاهش مخارج دولتی، دامنه خدمات دولت به تعاونیها به حداقل، وظایفی همچون ثبت، کنترل‌های دستوری رعایت قانون، انحلال و تصفیه شرکتیهای تعاونی تقلیل یابد. دولت‌ها انجام این وظایف را بصورت مشابه برای هر نوع سازمان تجاری دیگری نیز برعهده دارند. از جمله نکاتی که بعضی از کشورهای آفریقایی که در اجرای برنامه‌های تعدیل ساختار پیش رفته‌اند، بدان پی برده‌اند این است که دولت خود را گرفتار انجام امور تعاونی ننماید. برای نمونه این امر در کامرون، تانزانیا و اوگاندا که تصمیم به محدود ساختن ایندسته مشغله‌های دولت به حداقلی نظیر ثبت، دآوری و اجرای قانون تعاونیها گرفته‌اند،

مصادق دارد در واقع سه کشور مزبور بطور کامل در فعالیتهای مربوط به تعاونی‌های طی دو ساله گذشته تجدیدنظر کرده‌اند، یکی از آنی‌ترین اثرات این بود که وظایف بخشهای تعاونی با توجه به نهادهای مشابه بشدت کاهش یافت خدمات حمایتی تعاونی همچون تعلیم و تربیت، خدمات بازرسی، مدیریت و مشاوره‌ای خصوصی سازی شدند. این امر بدین معنی است که تعاونیها باید این امور را

برنامه‌های تعدیل سافت‌اری را آغاز می‌نمایند:

جنبه دیگری از نقش نوین تعاونیها وجود دارد که در گزارش مدیرکل سازمان به کنفرانس بین‌المللی کار در خصوص ایجاد دمکراسی (۱۹۹۲:۴۰) و آی-ال-اؤ (ILO) بدان اشاره شده است. در این خصوص او می‌گوید: تعاونیها مزیت ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه‌ای که برنامه‌های تعدیل ساختاری را اتخاذ می‌کنند و همچنین کشورهایی که برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز را کنار گذاشته‌اند، دربر دارد. در تعاونیها اتخاذ تصمیم و تخصیص منابع بوسیله گروه‌های مستقل (خود مختار) انجام می‌گیرد، به‌همین دلیل سازماندهی آنها بر مبنای اصول دمکراتیک صورت می‌گیرد و در پی بسیج منابع انسانی از طریق آموزش اعضایشان می‌باشند. این اعضاء معمولاً به تازگی وارد سازمان شده‌اند و یک شرکت را مدیریت می‌کنند و این امر آنها را برای مشارکت در دمکراسی نوس آماده می‌کند... تعاونیها ابزار مؤثر و ویژه‌ای برای بکار گرفتن منابع انسانی محروم و ترکیب منابع محلی و پس‌اندازهای قابل توجه - در کشورهاییکه در بحران بسر می‌برند - فراهم می‌آورند. تعاونیها همچنین از طریق پر کردن شکاف منابع در اقتصاد بازار، به تهبیج رقابت کمک می‌کنند.

تعاونیها بنابه ماهیتشان بوسیله مصرف کنندگان و یا تولید کنندگان مستقل تشکیل می‌شوند. در فرآیند تعدیل ساختاری، فعالیت تعاونیهای مصرفی در مناطق شهری و روستایی حداقل می‌تواند آثار حذف یارانه‌ها و در نتیجه افزایش قیمت مواد غذایی اصلی و سایر کالاهای اساسی را جبران نماید. علاوه بر مزیت قیمتهای بالنسبه ارزانتر، تعاونیها تأمین و یا گسترش تدارک کالاهای را هدف قرار می‌دهند. برای مثال، تعاونیهای مصرفی نقش فزاینده مهمی را در سراسر اروپای مرکزی و شرقی، برای



خصوص مالکیت تعاونی و موضوعات مشابه آن، در کشورهای سابقاً سوسیالیست اروپای مرکزی و شرقی که تعاونیها بخشی از اقتصاد برنامه‌ریزی شده مرکزی را تشکیل می‌دهند، مطرح بوده و هست در یک چارچوب صحیح بنظر می‌رسد که ادامه حیات و کامیابی تعاونیها تنها زمانی میسر است که دو شرط عمده زیر تأمین شوند. اول اینکه آنها بایستی عملیاتشان را در جهت برآورد نیازهای اعضای خود هدایت نموده و بدینوسیله وفاداری آنها را بدست آورند. دوم اینکه، رهبران و کارکنان تعاونیها ناگزیر به داشتن مهارتهای مدیریتی ضروری هستند همانگونه که در طی فرآیند تعدیل ساختار روشن گردیده تعاونیهای مستقل و خود اتکا (بویژه تعاونیهای پس‌اندازی و اعتباری) می‌توانند نقش بسزایی در توسعه منابع انسانی از طریق کمک به اعضایشان در بالا بردن مهارتهای حرفه‌ای و ارائه آموزشهای عمومی داشته باشند، ما مبحث توسعه منابع انسانی را در مرکز فعالیت‌های ترویجی خود را قرار داده‌ایم.

مزیت ویژه تعاونیها در کشورهاییکه

سازماندهی نموده و یا آنها را از طریق انعقاد قراردادی با دیگران انجام داده و مبلتی بدین منظور پرداخت نمایند. هر چند برخی امتیازات نظیر معافیت‌های مالیاتی بصورت جزئی حفظ می‌شوند، لیکن اینگونه تصور می‌شود که بایستی تعاونیها نیز نظیر هر مؤسسه تجاری خصوصی دیگر عمل نمایند. گزارشی که در ارتباط با این سه کشور نقل شد دلالت بر این دارد که اگر چه همه آنها استراتژی مشابهی در جهت آزادسازی^{۱۲} تعاونیها اتخاذ نموده‌اند، لیکن روشهای بکار بستن این استراتژی کاملاً متفاوت بوده است. در یک مورد تغییرات از طریق فشار جمعیت‌های اهدا کننده کمک‌های بین‌المللی اعمال شده، در مورد دیگر دولت در ابتکار تغییر ساختار تعاونیها و سیاستها پیشقدم گردیده است و تنها در مورد سوم نهضت تعاونی خودجوش و از رأس سازمان بوده است و از آغاز فرآیند اصلاح بر پایه استراتژیهای روشن قرار داشته است. بهر حال نتیجه پایانی در هر سه حالت این است که تعاونیها برای ادامه حیات در محیط جدید و رقابتی بایستی مبارزه نمایند.

شرط زمینه برای توسعه تعاونی موفق

سازمان بین‌المللی کار انجام یک دسته مطالعات به منظور تعیین زمینه‌ای که براساس آن تعاونیهای خود اتکا توسعه می‌یابند را، برعهده دارد. یکی از نتایج بدست آمده این است که در اکثر موارد قانونگذاری فعلی تعاونیها ناقص است. این امر که سه کشور برشمرده در قانونگذاریشان تجدیدنظر کرده‌اند، یک تصادف نیست خیلی از کشورهای دیگر همچون اندونزی، مالزی و فیلیپین نیز قوانین خود را تغییر داده و یا در حال انجام این امر هستند نتیجه مهم دیگر این است که دولت بایستی کنترل خود را روی تعاونیها کاهش دهد و وظایف ترویج آنها را به مدیریت خود تعاونیها انتقال دهد.

مسئله قانونگذاری و تعبیر آن در

تعاونیها بنابه ماهیتشان بوسیله مصرف کنندگان و یا تولید کنندگان مستقل تشکیل می شوند. در فرآیند تعدیل ساختاری، فعالیت تعاونیهای مصرفی در مناطق شهری و روستایی حداقل میتواند آثار حذف یارانه ها و در نتیجه افزایش قیمت مواد غذایی اصلی و سایر کالاها را جبران نماید. علاوه بر مزیت قیمتهای بالنسبه ارزاتر، تعاونیها تأمین و یا گسترش تدارک کالاها را هدف قرار می دهند.

نمونه در کشورهای نظیر بلغارستان (که بالاترین نرخ رشد تعاونیهای مصرفی و اعضای جدید را داشته است)، چکسلواکی، مجارستان، لیتوانیا، لیتوانی، رومانی و روسیه، در خلال اجرای برنامه های تعدیل ساختاری بازی نموده اند. تعاونیهای تولیدی انواع زیادی دارند، علاوه بر توان بالقوه بالای تعاونیهای عرضه و بازاریابی و همچنین سازمانهای پس اندازی و اعتباری مناطق روستایی که قبلاً اشاره شد، تعاونیهای تولیدی از جمله سازمانهای تعاونی هستند که می توانند منابع را ترکیب کرده و با همکاری، مردمی را که در فرآیند تعدیل ساختاری تأمین نیستند و آسیب می پذیرند، تقویت نمایند. این تعاونیها می توانند از نوع تعاونیهای کارگران باشند که حداقل در کوتاه مدت قادرند اشتغال مستقیم و در نتیجه درآمد ایجاد نمایند و اگر بصورت کارآ عمل نموده و مشکلات ساختاریشان را چاره (مدیریت) نمایند ممکن است در بلندمدت نیز این فرصتهای شغلی را حفظ و یا حتی گسترش دهند. همچنین تعاونیهای خدماتی^{۱۲} که کارایی اعضایشان را تقویت می سازند و یا آنها قادر به اداره فعالیتهای درآمدزا می نمایند از این دسته اند. علاوه بر اینها، خیلی از اشخاص که شغل خود را (بدلیل تعطیلی مؤسسات غیر کارآی دولتی و یا واگذاری آنها به بخش خصوصی) از دست داده اند، دارای شرایط حرفه ای هستند که می توانند به کمک تعاونیهای مقاطعه کار^{۱۵} به متقاضیان دیگر (سایر

بخش خصوصی که به یارانه های دولتی وابسته بوده اند، بویژه در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (برای مثال روسیه که یکی از دو روش خصوصی سازی مؤسسات دولتی اش از طریق ایجاد تعاونیهای با مالکیت کارگری انجام گرفته) و در بعضی کشورهای در حال توسعه نظیر آرژانتین، جامائیکا، مکزیک، پاکستان و ترینیداد (Trinidad)، را فراهم می آورند.

متأسفانه مشکلاتی که در جریان انتقال مالکیت از طریق تعاونیها وجود دارند اساسی بوده و غلبه بر آنها دشوار است. در این میان جدی ترین موانع، نداشتن اطلاعات پایه ای در خصوص مالکیت کارگری و مدیریت مؤسسات متعلق به کارگران، کمبود سرمایه و فقدان سازوکارهای انتقال قانونی کارآمد، می باشند.

تعاونیها و گروههای محروم^{۱۶} ویژه ای که از اثرات زیان آور برنامه های تعدیل ساختاری آسیب می بینند:

مدیرکل سازمان بین المللی کار در گزارش خود پیرامون دمکراسی و (۲۸: ۱۹۹۲) ILO بر اهمیت همیاری فعال بین این سازمان، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که قصد دارند به رضایت اجتماعی^{۱۷} و ملاحظات مؤثر حمایت شغلی و توسعه محرومترین اقشار مردم اهتمام بیشتری داشته باشند، تأکید نموده است. سازمانهای تعاونی همچنین برای گروههای محروم خاص جامعه، نظیر زنان، سالخوردگان، از کار افتادگان و جوانان و بچه ها که از آثار زیان آور برنامه های تعدیل ساختاری آسیب می پذیرند، نقش مهمی بازی می کنند.

نمونه های زیادی نشان می دهند که زنان خودشان را در قالب تعاونیهای خدماتی یا کارگری (اغلب بصورت بسیار غیر رسمی) سازماندهی می نمایند تا بتوانند موقعیت شغلی و درآمدیشان را تقویت نموده و یا فعالیتهای درآمدزا را آغاز نمایند. تعاونیهای

مؤسسات یا دولت) معرفی شوند، معاش اینگونه افراد، می تواند تأمین شود و مشکلات اجتماعی ناشی از بیکاری مرتفع شود. هدف دیگر برخی از تعاونیهای پیمانکار، تأمین اعضایشان از طریق آموزش کافی یا تعلیم مهارت لازم به آنان برای بدست آوردن مهارتهای شغلی بالاتر به منظور ارتقای توان بالقوه کسب درآمد است. اگر این مؤسسات تعاونی و اعضایشان بطور کارآ عمل نمایند، می توانند اشتغالی پایدار، ابزارهای اصولی تأمین نیازهای اولیه و ارضای خواسته های مردم برای پیشرفت (توسعه) فردی را، فراهم آورند.

مثال دیگری از انواع مختلف تعاونیها بعنوان ابزاری برای جبران ساختن اثرات جانبی منفی برنامه های تعدیل ساختاری، تعاونیهای مسکن می باشند، زیرا قطع مخارج عمومی ممکن است حذف یا کاهش یارانه های مسکن را نیز دربر داشته باشد. تعاونیهای مسکن از یکطرف می توانند به زمینه سازی اصلاح منطقی قیمتها کمک کنند و از طرف دیگر همچون تعاونیهای کار، موقعیت اجتماعی و اقتصادی اعضای خود و کارگران را بوسیله تأمین فرصتهای شغلی و درآمد بهبود بخشند.

تعاونیهای مشابه مؤسسات سهامی آخرین نمونه از اشکال مختلف سازمان تعاونی اند. این نوع سازمانهای تعاونی پیش زمینه ای مطمئن و رشد یابنده برای خصوصی سازی مؤسسات تحت اداره دولت و ممانعت از تعطیل شدن مؤسسات در

پس‌انداز و اعتباری (شامل مؤسسات پس‌اندازی غیر رسمی و امثال آنها) بسیار مهم هستند، زیرا زنان اغلب در زمینه ابزارهای خصوصی، عمومی و غیر رسمی تأمین مالی با محدودیت زیادی مواجه‌اند. تعاونیهای بازاریابی محصولات اعم از تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی نیز مهم هستند.

همانگونه که زنان بطور معمول برای عرضه مواد غذایی اصلی و سایر کالاهای اساسی خانواده‌اشان مسئول هستند، می‌توانند از مزایای عضویت (سازمان یافتن) در تعاونیهای مصرف که افزایش قیمت کالاهای مصرفی ناشی از اقدامات تعدیل ساختار را جبران می‌نمایند، بهره‌مند شوند. علاوه بر این، زنان ممکن است سازمانهای تعاونی دیگری نیز برای تأمین خدمات اجتماعی (نظیر مراقبتهای بهداشتی و مهدکودک) تأسیس نمایند که در قالب اقدامات خصوصی سازی و تحکیم (انقباض) بودجه دولت حذف شده باشند. گروه محروم دیگر جامعه که از دو جنبه از برنامه‌های تعدیل ساختار آسیب می‌بینند، افراد معلول^{۱۸} می‌باشند. در جنبه اول، تعاونیهای موجود معلولین در اثر کاهش و یا حذف حمایتهای دولت به مخاطره می‌افتند (همانند لهستان) و در جنبه دیگر ممکن است خدمات حمایتی دولتی به اشخاص معلوم

هنگامیکه دولت مخارجش را محدود (منقبض) می‌نماید، به میزان زیادی، کاهش یابد. سازمانهای خودیار مستقل می‌توانند راه حل مناسبی^{۱۹} برای این دو وضع دشوار فراهم نمایند.

علاوه بر اینها، کاهش و یا حذف خدمات اجتماعی عمومی، در اثنای اقدامات تعدیل ساختار بشدت اشخاص سالخورده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعاونیها می‌توانند نقش بسزایی هنگامیکه افراد این گروه گردهم می‌آیند و خدمات معینی نظیر تأمین غذا، خدمات بهداشتی و فعالیتهای فراغت را برای خود سازماندهی می‌نمایند، داشته باشند. تجربیات تعاونیها برای (و یا از) افراد سالخورده در اروپا بسیار مثبت بوده است. سرانجام، یک قشر از مردم که می‌توانند از اقدامات تعاونی بسیار منتفع گردند و در هندوستان بسیار قابل توجه‌اند، جوامع قبیله‌ای می‌باشند. در ILO حکم ویژه برای بهبود رفاه این گونه افراد وجود دارد، چون ILO دارای یک انجمن بین‌المللی در ارتباط با جوامع قبیله‌ای و اولیه می‌باشد، در چند ماه قبل ما یک کارگاه آموزشی^{۲۰} در دهلی‌نو داشتیم که در میان مسائل مختلف، این سؤال مطرح شد که، چگونه چارچوب موجود جوامع قبیله‌ای که LAMPS نامیده می‌شوند، می‌توانند در یک ساختار تعاونی با ویژگیهای مشارکت واقعی ادغام شوند. ما

قصد داریم با این مباحث پیش رویم و برخی از فعالیتهای را در حمایت از تعاونیهایی که براساس احساس نیاز اعضایشان پا گرفته‌اند، مطرح نماییم.

تعاونیها، تعدیل ساختاری و بخش غیر رسمی (در مناطق روستایی):

در آوریل سال آینده^{۲۱} زمانیکه یک گروههایی از متخصصین تعاونی تشکیل می‌گردد می‌توانیم بحثهای خود را دنبال کنیم:

- توصیه‌هایمان را در خصوص نقش تعاونیها در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها در حال توسعه بررسی کنیم؛

- نقش توسعه منابع انسانی در بقای اقتصادی، مدیریت کارآ و نظارت دمکراتیک تعاونیها را بررسی کنیم؛

- نقش تعاونیها در تقویت اشتغال و درآمد بویژه روستایی و علاوه بر آن در بخش غیر رسمی اقتصاد که نقشی فزاینده‌ای در زمینه تعدیل ساختاری در مناطق روستایی و شهری بازی می‌کنند را بحث نماییم.

بخش غیر رسمی بطور عمده به واحدهایی با مقیاس خیلی کوچک مشتمل بر تولید کنندگان و تاجران مستقل و خود اشتغال که معمولاً با سرمایه‌های بسیار اندک (یا بدون سرمایه) و با بکارگیری سطح پایینی از تکنولوژی و مهارت در سطح پایینی از بهره‌وری عمل می‌کنند، مربوط می‌شود. بنابراین آنها اغلب دارای درآمدی بسیار پایین و غیر منظم می‌باشند. آنها دارای دسترسی اندک و یا فاقد دسترسی به بازارهای سازمان یافته، مؤسسات اعتباری و مؤسسات آموزش و تربیتی رسمی و بسیاری از خدمات عمومی و وسایل تفریحی هستند که اغلب توسط دولت شناسایی و حمایت نمی‌گردند. تعاونیها بعنوان سازمانهای مردم محور دارای توان بالقوه قابل ملاحظه‌ای برای ارتقاء وضعیت زندگی



۱۳۰۲

تحولات اخیر تعاونیهای پیشه‌وری در فرانسه

به قلم: اریک بیدت^۱
برگردان: اداره امور بین‌الملل وزارت تعاون

تعاونیهای پیشه‌وری در مقام مقایسه با سایر حوزه‌های فعالیت تعاونی همچون تعاونیهای کشاورزی یا تعاونیهای بانکداری، همچنان دارای ساختار کوچکی هستند. اما علی‌رغم این ساختار خرد، معرف یکی از پویاترین و متحولترین زمینه‌های تعاونی طی ۱۵ سال اخیر می‌باشند. در این مقاله، سعی نویسنده بر آن است تا ویژگیهای اصلی این نوع تعاونی و تحول اخیر آن را به رشته کلام درآورد.

تعریف و چارچوب قانونی

تعاونیهای پیشه‌وری به گروههای گسترده‌تر تعاونیهای کوچک تجاری از نوع پیشه‌وری، ماهیگیری، خرده‌فروشی و حمل و نقل تعلق دارند. گاه از اصطلاح "تعاونی خانواده" نیز برای نامیدن چنین گروههایی استفاده می‌شود (یعنی مؤسساتی که در طبقه‌بندی کشور فرانسه، کارکنان آن کمتر از ۱۰ نفر هستند). در مطالعه‌ای که به سال ۱۹۸۵ انجام شد، نیکولاس^۲ و وینی^۳ مشکل تشخیص دقیق این نوع تعاونی را به دلیل ماهیت اعضای آن مطرح نمودند، چراکه در این تعاونیها، افراد عضو محسوب نمی‌شوند، بلکه مؤسسات بازرگانی اعضای آن را تشکیل می‌دهند. نکته مورد تأکید آنان در این مطالعه، مسئله تعیین فعالیت تعاونی بر مبنای نوع فعالیت خود اعضا بود.

درواقع، بیشترین تعداد تعاونیهای پیشه‌وری به شکل قانونی "گروههای دینف اقتصاد" (GIE)^۴ تشکیل شدند، حقیقت امر

این است که مفهوم تعاون در صنعت پیشه‌وری غالباً دیگر انواع گروهها را نیز شامل می‌شود که همچون GIE و شرکتهای غیرانتفاعی، مشخصاً تعاونی محسوب نمی‌شوند. هریک از انواع دو مورد اخیر ۲۰ درصد گروهها را تشکیل میدهند و ۶۰ درصد نیز به شکل تعاونی می‌باشند. نام اتحادیه ملی (کنفدراسیون تعاونیها و گروههای پیشه‌وری فرانسه)^۵ به روشنی قابل استناد برای سایر انواع گروهها است. در این مقاله، واژه‌های "تعاونی" یا "گروه" به استثنای موارد ویژه، به تمامی گروهها اطلاق می‌شود.

قانون تعاون فرانسه دربرگیرنده چارچوب کلی نهضت تعاون و پاره‌ای از قوانین خاص مربوط به هر نوع تعاونی از جمله کارگری، کشاورزی، مسکن و تعاونیهای کوچک تجاری می‌باشد. در این میان، تعاونیهای کوچک تجاری آخرین نوع تعاون هستند که مشخصاً در سال ۱۹۸۳ در قانون تعاون فرانسه لحاظ شدند. بدیهی است این شیوه تعاون پیش از این قانون ویژه نیز وجود داشته است، اما در سال ۱۹۴۷ مشمول "قانون عمومی تعاون" می‌شود. هدف از این نوع تعاون اساساً تأمین امکاناتی است که اعضا، علی‌رغم تعداد اندکشان، بتوانند از طریق یکپارچه کردن فعالیتهای خرید و فروش خود به قدرت تجاری بیشتری بدست یابند.

یکی از ویژگیهای بدیع قانون نوین سازی تعاونیها ۱۹۹۲، اعمال قانون عمومی استفاده از اعضا غیرسهامدار در تعاونیها بود. شومل^۶ و وینی با دیدگاهی بدبینانه، و تردارسن^۷ با نگرشی خوش‌بینانه‌تر نیز تأکید نمودند که این نوآوری یکی از بزرگترین تغییراتی بود که در آخرین بیانیه

هویت تعاونی اتحادیه بین‌المللی تعاون گنجانده شد.

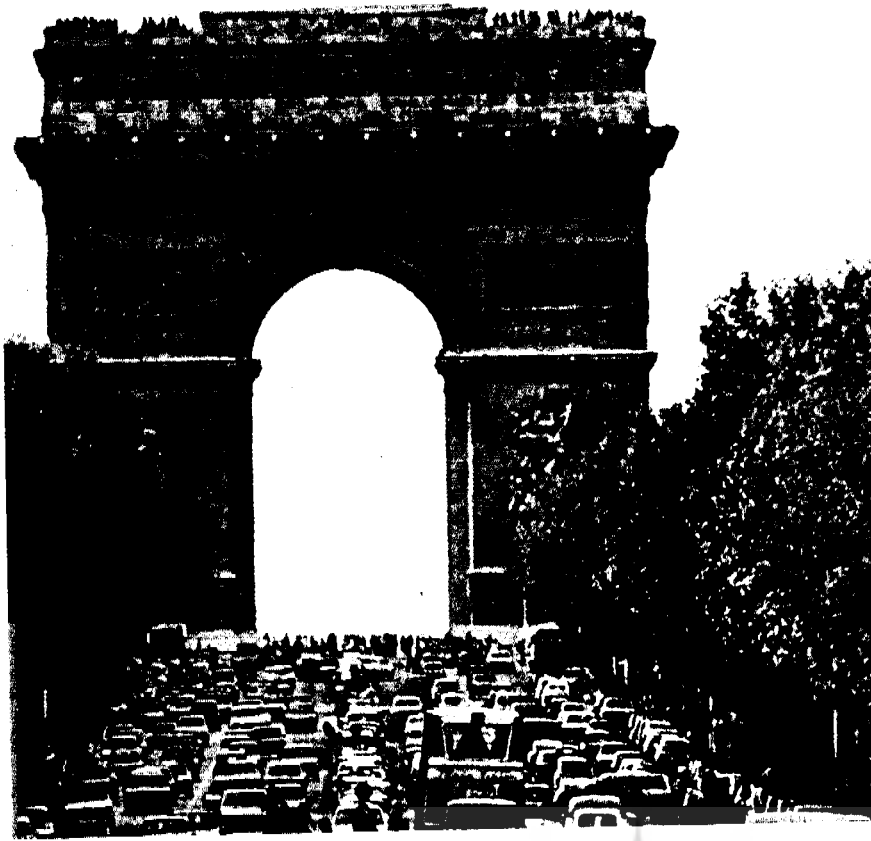
اما قانون سال ۱۹۸۳ به تعاونیهای پیشه‌وری این اختیار را اعطاء نمود تا از وجود بعضی اعضا غیرسهامدار، بدون هیچگونه محدودیتی در زمینه سرمایه استفاده نموده و در مقابل، پاداش این مشارکت اجتماعی به آنان اعطا شود. تنها محدودیت واقعی در زمینه تعداد آراء و به عبارت دیگر حق رأی اعضا غیرسهامدار تا ۲۵ درصد کل آراء و نه بیشتر از آن بود.

یافته‌های مهم اقتصادی

در سال ۱۹۹۴، مرکز کادر^۸ چشم‌انداز جدیدی در عرصه تحقیقات تعاونیهای کوچک تجاری و از جمله تعاونیهای پیشه‌وری گشود. از جمله مسائلی که در این چشم‌انداز آشکار شد، ضعف عناصر کمی در این بخش بود که مانع از دستیابی به ارزیابیهای درست جهانی و نمونه‌های تاریخی می‌شد. از اینرو یافته‌های ارائه شده در این مقاله بسیار ساده هستند.

تحولات اخیر صنعت پیشه‌وری در فرانسه از ثباتی قابل توجه برخوردار است. تعداد صنعتگران در فاصله زمانی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ در حدود رقم ۸۵۰۰۰۰ نفر ثابت باقی مانده است. یک چنین ثباتی در تعداد گروههای تشکیل شده از سوی کنفدراسیون تعاونیها و گروههای پیشه‌وری فرانسه نیز نشان از رقم ۱۰۰۰ گروه در ظرف مدت ۱۵ سال دارد.

اما این ثبات، در آمار و ارقام تلفات بالای سازمانها و تغییرات مهم درون گروهی منعکس نشده است. برای مثال ۷۵ درصد از گروهها طی ۲۰ ساله اخیر بوجود آمده‌اند و تنها یک درصد در سال گذشته.



می‌کنند و ۷۰ درصد از آنان در شهرهایی مسکن دارند که کمتر از ۵۰۰۰۰ مسکن دارد.

میل درونی به تعاون

همانگونه که در آغاز این بحث به آن اشاره شد، چارچوب قانونی، خود را بخوبی با قانون سال ۱۹۸۲ وفق داد و پیامد آن توسعه‌گونه تعاونی در صنعت پیشه‌وری بود، دولت نیز تدریجاً موضع بسیار مثبتی را در قبال تعاونیهای پیشه‌وری اتخاذ کرد، از جمله تخصیص یارانه‌های همگانی، اعطای مزیت‌های مالی و گشایش بازارهای عمومی.

اما این یک طرف معادله است. در طرف دیگر مالو^۱ تأکید می‌کند که مؤسسات هم‌خانواده معمولاً کشش درونی ضعیفی نسبت به تعاون دارند و همانگونه که اوولاً^۲ نشان داده است، توسعه تعاون در صنعت پیشه‌وری به دو عنصر محدود می‌شود.

عنصر اول، عدم وجود یک شبکه سرمایه‌گذاری محکم و پایدار بویژه به دلیل نبود پیوند اینگونه تعاونیها با

کارکنان در هر گروه کمی بیش از پنج نفر است، اما واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد: تقریباً نزدیک به ۴۰ درصد از گروهها فاقد کارگر و ۷۵ درصد از آنها کمتر از ۲ کارگر داشته‌اند. به بیان دیگر، تنها ۴ درصد دارای بیش از ۲۰ کارگر و تنها ۲۴ درصد گروهها میتوانند روی ۷۰ درصد از کارگران شاغل حساب کنند.

تعداد کارگران در مؤسسات تجاری وابسته به گروهها حول و حوش رقم ۱۸۰۰۰۰ نفر است که حدود ۱۵ درصد کارگران در کل صنعت پیشه‌وری را دربرمی‌گیرند. اما ده سال پیش این رقم ۱۲۰۰۰۰ نفر یعنی ۱۲ درصد بود.

این گوناگونی در تعداد اعضاء هرگروه نیز قابل تأمل است. نیمی از گروهها کمتر از ۲۰ عضو و ۵۵ درصد از آنان بیش از ۴۰ درصد کل اعضاء را در خود جای داده‌اند. این کوچکی گروههای پیشه‌وری با ویژگی دیگری از این نوع تعاون در ارتباط است و آن مسئله مجاورت و نزدیکی است. ۸۰ درصد اعضاء در فاصله‌ای کمتر از ۵۰ کیلومتری محل تعاونیهای خود زندگی

برای هر سازمان در ساختار اقتصاد اجتماعی، برآورد حجم و اندازه گروه براساس سه متغیر امکان‌پذیر است: حجم فروش، تعداد کارکنان و تعداد اعضاء.

حجم فروش این گروهها از ۶ میلیارد در اوایل دهه ۹۰ به ۷ هزار میلیون در شرایط کنونی رسیده است. این میزان تنها نمایانگر یک درصد فروش جهانی صنعت پیشه‌وری در فرانسه است (۷۵۷ هزار میلیون در سال ۱۹۹۴) اما تحول مؤسسات پیشه‌وری در تعاونیها وضعی بهتر از تحولات کل بخش تعاون دارد. در دهه ۸۰، میانگین فروش تعاونیها ۲ درصد از فروش در کل بخش بود یعنی نسبت ۱۸ درصد به ۱۶ درصد. تفاوت‌های عمده‌ای در بین گروهها، بخصوص در بخشهای مختلف مشهود است. برای مثال ۵۰ درصد گروهها به حجم فروش کمتر از ۳/۵ میلیون دست یافته‌اند. اما دو اتحادیه اصلی تعاونی (یکی فعال در زمینه تجارت ساخت مسکن و دیگری در زمینه ارائه خدمات به کشاورزان) نزدیک به یک‌هزار میلیون فروش داشته‌اند.

تعداد مؤسسات پیشه‌وری متعلق به یک گروه کمی بیش از ۱۱۰۰۰۰ می‌باشد که کمتر از ۱۵ درصد مؤسسات فعال در زمینه صنعت پیشه‌وری را شامل می‌شود. اگر این درصد را با درصد حجم فروش تعاونیها که تنها یک درصد است مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که بخش تعاون اساساً از ساختارهای کوچک تجاری تشکیل شده است.

بنا به گفته‌های نیکولاس و وینی، وقتی صحبت از اشتغال در تعاونیهای کوچک تجاری به میان می‌آید، باید آن را از دو زاویه بررسی نمود: اشتغال در خود تعاونیها و اشتغال در مؤسساتی که عضو تعاونی هستند. تعداد کارکنان در گروهها از آغاز دهه ۹۰ به این سو بین رقم ۴۵۰۰ و ۵۰۰۰ ثابت مانده است.

این بدان معناست که میانگین تعداد

سرمایه‌گذارهای معنوی شرکای فعال در بخش اقتصاد اجتماعی است. به عنوان نمونه، تعاونیهای اعتبار بویژه تعاونی اعتبار کشاورزی هرگز صنعت پیشه‌وری و تعاون پیشه‌وران را به عنوان یک بازار تجاری اصلی تلقی نکرده و اصول تعاون بیمه پیشه‌وری (MAAF) هیچگاه در صدد ایجاد پیوندهای نزدیک با تعاونیها نبوده است.

عنصر دوم، عدم وجود نوعی حس قوی تعاونگرایی سنتی در بسیاری از زمینه‌های فعالیت، بخصوص در صنایع غذایی و خدمات است که در جای خود می‌تواند عنصر مهمی محسوب شود. نتیجه طرفداری از اتحاد تجارت حرفه‌ای که پیوند نزدیکی با بنکداری سنتی دارد همواره بدگمانی نسبت به شیوه تعاونی را به همراه داشته چرا که تعاون تهدیدی برای مساوات و وحدت بین پیشه‌وران محسوب می‌شده است.

اما با آغاز دهه ۹۰ و افول فلسفه اتحادگرایی تجاری بود که تعاون تنها فاتح میدان تاخت و تاز تجاری شد. این عامل نشان می‌دهد که میل باطنی به ساختار تعاونیها به وضعیت بخشهای مختلف و سیمای محلی هر منطقه بستگی دارد. به مدت ۲۰ سال، فعل و انفعالات و تحولات بدست آمده در صنعت ساخت مسکن بسیار مساعد به حال پیشه‌وران بوده اما اکنون بیش از ۵۰ درصد خانه‌سازی به بخشی تعلق دارد که از ساخت مجتمع‌های جدید شهری به فعالیتهای خانه‌سازی شخصی و پراکنده تغییر جهت داده است.

صنعت خانه‌سازی به دلیل نیاز به مشاغل مختلف، بستر مناسبی برای رشد تعاونی محسوب می‌شود. جهش سریع در ساخت خانه‌های شخصی در اوایل دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۸۰ نیز ادامه داشت. از این نقطه عطف بود که محدودیتهای مالی ساختار

گروههای ذینفع اقتصادی مانع از رویارویی گروهها در عرصه رقابت می‌شد.

۶۰ درصد از ۸۰۰ تعاونی موجود در دهه ۸۰ به فعالیت خانه‌سازی اشتغال داشتند. اکنون هم بالاترین تعداد تعاونی یعنی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از آنها در همین زمینه فعالیت دارند. حتی اگر این تعاونیها همچنان اصلی‌ترین نوع تعاونی باشند، اما در مقایسه با سایر عرصه‌های تعاونی، بویژه تعاون در خدمات (برای کشاورزان، صنف آرایشگر، تعمیر کار ماشین و رانندگان تاکسی) و تعاون در صنایع غذایی (نانوایان و قصابان) اهمیت خود را از دست داده‌اند.

نقش تعاون در حوزه پیشه‌وری روستایی در برگزیده فعالیت‌های بسیاری همچون مرمت و ساخت ابزار کشاورزی یا حفظ و نگهداری پارکها و باغها می‌باشد. این تعاونیها در نیمه دهه ۷۰ بوجود آمدند. در بخشی که تعداد پیشه‌وران آن از ۵۰۰۰۰ نفر در دهه ۶۰ به ۱۲۰۰۰ نفر در حال حاضر تقلیل یافته، اعضاء تعاونیها نیز به همان نسبت کاهش یافته‌اند، به این معنا که پس از آغاز دهه ۸۰ که تعداد اعضاء با حدود ۷۰۰ نفر در بالاترین حد خود بود، اکنون این تعداد پس از گذشت ۱۵ سال در حدود ۴۰۰ نفر ثابت مانده است. در همین دوره، حجم فروش پی‌درپی افزایش یافت و از ۸۰ میلیون فرانک به ۴۰۰ میلیون فرانک رسید. این دو تحول نشان می‌دهد که شاخص فروش به نسبت هر عضو از سال ۱۹۸۲ به این سو ده برابر افزایش یافته است.

در زمینه تعمیر ماشین، تعاونیها در دهه ۷۰ با شروع فعالیت خرید لوازم یدکی به کار خود توسعه دادند. اما در نیمه دهه ۸۰ به دلیل کمبود سرمایه، مشکلات جدی برای این تعاونیها پیش آمد. اما تعاونیهای روستایی در ابتدا

با منطق کدخدامنشی و سهامی به ارزش حدود ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ فرانک آغاز بکار کردند. قدیمیترین گروه پیشه‌وران متعلق به صنف آرایشگر در آغاز این قرن می‌باشد که اساساً زیر نفوذ نمایندگان صنفی توسعه یافتند. اولین تلاش برای ائتلاف این گروهها در زیر چتر یک اتحادیه ملی در سال ۱۹۶۰ به دلیل وجود پدیده تمرکز در این گروهها در دهه ۷۰ با شکست مواجه و در نهایت به شکل‌گیری دو گروه اصلی تعاونی با حجم فروش ۹۵ و ۶۵ میلیون فرانک منجر شد. میانگین حجم فروش به نسبت هر تعاونی بسیار متغیر است، برای مثال از ۲۰ میلیون فرانک در صنعت ساخت مسکن به کمتر از ۲۰ میلیون فرانک در زمینه تعمیر ماشین و پیشه‌وری روستایی و حدود ۱۰ میلیون فرانک برای صنف نانوایان و قصابان که دو تعاونی عمده در صنایع غذایی هستند، می‌رسد.

سازماندهی نوین

براساس طبقه‌بندی انجام شده توسط شاوز^{۱۱} در سال ۱۹۹۶، تعاونی پیشه‌وران ظاهراً چیزی پیش از تعاون در یک بخش است و آن را می‌توان در بین سازمانهای فعال در همان خطکاری قرار داد. تعاونی پیشه‌وری اساساً یک تعاون غیریکپارچه است و از همین رو نمونه‌های بسیار اندکی از تعاون متقابل با سایر نهضت‌های شکل گرفته در اقتصاد اجتماعی سراغ داریم.

اما شایان ذکر است که برخی طرحها با هدف نظارت مؤثرتر کل فرآیند تولید در حال شکل‌گیری است. این روش با موضوع کیفیت نیز بی‌ارتباط نیست. تعاونیها که در اصل برای حل مشکل کمبود کالاها و خدمات از نظر کمی ایجاد شدند، امروزه بیش از پیش به مسئله کیفی کالا و خدمات می‌پردازند. ذکر نمونه‌ای از پیشه نانوایی خالی از لطف نیست: تعاونی مونین^{۱۲} که در شرق فرانسه واقع شده، سعی در ایجاد مشارکت بین تعاونیهای تولیدکنندگان

گندم، آسیابداران مستقل و نانویان داشت. امروزه، برقراری هرچه بیشتر مشارکت بین تعاونیها و سازمانهای شاغل در بخش اقتصاد اجتماعی یکی از مسائل موردتوجه کنفدراسیون تعاونیها و گروههای پیشه‌وری فرانسه می‌باشد. از اینرو طبیعتاً پیوندهای نزدیکتری بین تعاونیهای خدمات با کشاورزان یا تعاونیهای قصابان و نانویان قابل تصور است.

همچنین ارتباط با تعاونیهای مصرف و تعاونیهای خرده‌فروشی نیز دور از ذهن نیست. قوانین موضوعه وابسته به اقتصاد اجتماعی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در ایجاد این نوع مشارکت بکار آید.

بی‌شک یکی از تحولات اصلی اخیر، ایجاد تعاونیهای بزرگی است که برکار خرید کالا متمرکز هستند. این پدیده که از ده سال پیش آغاز شد، بخصوص در عرصه‌هایی توسعه یافت که دارای ارزش افزوده اندک بودند و به درخواست پیشه‌وران برای رهایی از تبعیت سنتی از کارپردازان خود مربوط می‌شد. این روش کل صنعت پیشه‌وری را به استثنای صنایع مولد ثروت (نظیر برقکاران و رانندگان تاکسی) زیر پوشش خود می‌گیرد. اما این شیوه بخصوص در صنعت خانه‌سازی چشمگیر است چرا که گروهها موضع خود را از شکل گروههای ذینفع اقتصادی (GIE) با تأکید بر عملکرد ساخت مسکن به نوعی تعاونی با عملکرد خرید مسکن تغییر داده‌اند. توسعه این عملکرد محوری جدید در تعاونی به رشد ابعاد تعاونیها نیز انجامید، اکنون برخی از این تعاونیها بقدری وسعت دارند که می‌توانند بر ساختارهای بازار خود اثر گذارند. این وضعیت برای صنف آرایشگر (با دو تعاونی فعال در سطح کشور) و قصاب و لوله‌کش (بیشتر در سطح محلی) نیز صادق است.

این تعاونیها همچنین به مدد امکانات مالی، اتخاذ سیاست جدید استفاده از سهام بیشتر اعضاء و روند گزینش عضویت، رفته رفته توسعه یافتند. بنا به عقیده اولوایی‌ریزی تعاونیها بر پایه نیازهای سرمایه‌ای مستلزم چشم‌پوشی از ارزشهای سنتی چون اعتقاد به مساوات بشر است. سهام در تعاونیهای پیشه‌وری روستایی از رقم نمادین ۵۰۰ فرانک به میانگین ۴۰۰۰ فرانک رسید و این بدان معناست که سرمایه تعاونیها از کمتر از یک میلیون فرانک در نیمه‌دهه ۸۰، امروزه به حدود ۱۵ میلیون فرانک بالغ شده است.

با تعمق بیشتر در این تحلیل، می‌توان دوتنوع تعاونی عمده را از یکدیگر متمایز نمود. دریک طرف تعاونیهایی هستند که تنها وظیفه آنان ایجاد هماهنگی بین مؤسسات اقتصادی است که غالباً بصورت شراکتی اداره می‌شوند یا به شکل گروههای ذینفع اقتصادی عمل می‌کنند، در طرف دیگر تعاونیهایی به چشم می‌خورند که وظیفه اصلی آنان توزیع، تولید یا

آماده‌سازی برای عرضه تجاری است و بزرگترین تعاونیها نیز به همین گروه اخیر تعلق دارند.

در پایان می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که به دلیل برقراری نظام آزاد قیمتتها در اواخر دهه ۸۰، تعاونیهای پیشه‌وری با بافت اقتصادی جدیدی روبرو شدند. افزایش قیمتتها دیگر به صرفه نزدیک نبود و تعاونیها می‌بایست در ارائه خدمات خود به اعضاء تنوع ایجاد کنند. تعاونیها طی دوره چندساله‌ای بر کیفیت تأکید داشتند. به بیان دیگر، تضعیف فلسفه صنف‌گرایی تجارت حرفه‌ای چشم‌اندازهای تازه‌ای برای دیگر فعالیتهای جمعی و تعاونی گشود و به ایجاد یک ساختار حرفه‌ای جدید انجامید. در یک چنین بافتی، بحرانهایی که در سال گذشته برای کنفدراسیون تعاونیها و گروههای پیشه‌وری فرانسه ایجاد شد از نوع ثانویه بود و مستقیماً به تعاونیها مربوط نمی‌شد.

۱- اریک بیدت معاون سردبیر RECMA (مجله مطالعات تعاونی، انجمنهای تعاون و شرکتهای تعاونی) است. وی در همایش تحقیقات بین‌الملل تعاون که در سپتامبر سال ۱۹۹۶ در استونی برگزار شد، به نمایندگی از طرف انجمن ملی تعاون حضور داشت.

- 2- Nicolas
- 3- Vienney
- 4- groupement d'intérêt économique
- 5- Confédération Française des Coopératives et Groupements d'Artisans
- 6- Chomel
- 7- Thordarson
- 8- CADRE: سه سال پیش با حمایت فدراسیون اقتصاد اجتماعی فرانسه و وزارتخانه‌های اقتصاد و تحقیقات فرانسه، مرکز کارد بوجود آمد. هدف از تشکیل آن ارتقاء علوم اجتماعی در بخش اقتصاد اجتماعی است. به بیان دقیقتر، نقش کادر عبارتست از تعیین روشهای اصلی در تألیفات و آثار موجود و نشان دادن تأثیر تحقیقات در پاسخگویی به موضوعگیریهای اصولی سازمانها. برای تحقق این هدف، کادر اقدام به تشکیل کارگاههایی با حضور محققان و کارورزان نموده است.
- 9- Malo
- 10- Auvolat
- 11- Chaves
- 12- Monpain



منطقه آسیا و اقیانوسیه

موتور جهانی در

رشد اقتصادی

منطقه آسیا و اقیانوسیه دارای موقعیت بسیار برجسته و مهمی در اقتصاد جهانی می‌باشد. بیش از دوسوم کالاها و خدمات دنیا توسط هجده مؤسسه اقتصادی عضو در «سازمان تعاون اقتصادی آسیا و اقیانوسیه» (APEC) تولید و ارائه می‌شود. ارزش تجارت بین مؤسسه اقتصادی عضو APEC از رقم ۴۹۲ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۸۵ به یک هزار میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۲ بالغ شده است که پیامد آن رشد سهم این اعضا در تجارت جهانی از ۳۸/۸٪ در سال ۱۹۹۰ به ۴۵/۶٪ در سال ۱۹۹۴ می‌باشد. طی همین دوره، سهم اعضا در تجارت درون منطقه‌ای از ۲۶/۶٪ در سال ۱۹۹۰ به ۳۳/۴٪ در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته است.

پیشینه درخشان رشد و توسعه اقتصاد ملل عضو APEC و ساخت توانمند و مستمر تجارت درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای، در قرن بیست و یکم به موضعی قویتر از وضعیت کنونی دست خواهد یافت. این تصویر درخشان از نحوه عملکرد اقتصاد آتی منطقه با ایجاد مکانیسم‌های تجاری چند جانبه‌ای نظیر آفتا، نفتا، آپکا، تج‌پا و وتو^۱ بیشتر تقویت می‌شود.

مؤسسات اقتصادی کوچک و متوسط و

تعاونیها:

عامل موفقیت استراتژیک

دلیل اصلی عملکرد پایدار اقتصادی در

منطقه آسیا و اقیانوسیه چیست؟

مؤسسات اقتصادی کوچک و متوسط یا (SME) و تعاونیها نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه پایدار اقتصادی داشته و دارند. اینگونه مؤسسات بیش از ۹۶٪ شرکتها عضو سازمان اقتصادی "APEC" را تشکیل می‌دهند. این مؤسسات حدود ۶۰٪ نیروی کار را جذب کرده و در ایجاد قریب به ۷۰٪ کلیه مشاغل جدید طبق برآوردهای "ECD/APEC" سهم می‌باشند. تعاونیها در انتقال مکانیسمهای اقتصادی به مؤسسات و شرکتهای کوچک فعال می‌باشند. بدون وجود تشکیلات تعاونی، این افراد به هنگام ورود به بازار تجارت دچار مشکل خواهند شد.

* هیأت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس به اهداف ذیل نائل خواهند گردید:

- آشنائی با رهبران کشورهای آسیائی، آمریکائی و حوزه اقیانوسیه، همچنین رؤسای مؤسسات آموزشی که مسئول تعیین اولویتها، اقدامات اولیه، برنامه‌ها و طرحهای مربوط به گسترش و ترویج اهمیت استراتژیک تعاونیها و نیز * SMEs در کشورهای خود می‌باشند:

- آگاهی از وضعیت کنونی (اس - ام - ای) (SMEs) و تعاونیهای فعال در کمیته‌های اقتصادی هجده عضو وابسته به اپک (APEC):

- کسب اطلاع از فرصتهای بدست آمده جهت توسعه همکاریهای استراتژیک و تلاشهای مهمی که در حیطه مسائل قانونی،

مالی و سیاسی ناشی از فعالیتهای انواع مختلف تعاونیهای تجاری در قالب مشارکت با (اس - ام - ای - اس) (SMEs) و نیز تعاونیهای اعضاء اقتصادی آ - پی - ای - سی "APEC"، صورت می‌گیرد:

- تشکیل شبکه‌ای مرکب از نهادهای تأثیرگذار در بخشهای دولتی و خصوصی من جمله، بنگاههای بین‌المللی و چند منظوره مربوط به گسترش اس - ام - ای SMEs و تعاونیها در بالاترین سطوح:

- شناسائی امکانات متعلق به مشتریان بالقوه و یا شرکای اتحادیه استراتژیک از بخشهای دولتی و خصوصی شرکت‌کننده در فعالیتهای اقتصادی:

دلایل حضور الزامی شما در کنفرانس (پرا باید در این کنفرانس شرکت کنید؟)

اصولاً دولتها و کلیه رهبران تجاری در همه جای دنیا به اهمیت فعالیتهای شبکه‌ای اذعان دارند. این کنفرانس با ایجاد زمینه‌های لازم جهت حضور هرچه بیشتر رهبران و متخصصین در سطوح بین‌المللی به جستجوی راههای توسعه اس - ام - ای (SME) و بخشهای تعاونی می‌پردازد. علاوه براین، مشارکت تجار و مدیران تعاونیها و همچنین شما، در شکل‌گیری آینده تعاونیها در منطقه تحت نفوذ آ - پی - ای - سی APEC بعنوان یک نیروی اقتصادی در اختیار دولتها جهت ورود به قرن آینده، تأثیر شگرفی خواهد داشت. و در نهایت، حاصل کنفرانس، تسلیم گزارش به سران هجده دولت عضو آ - پی - ای - سی و اقتصاددانان دولتی کشورهای شرکت‌کننده و نیز هیأت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس خواهد بود.

سازمان دهندگان کنفرانس با استفاده از شبکه‌های اینترنت ترتیب ملاقاتهای متعدد ما بین هیأت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس و نیز جمع‌آوری و ارائه اطلاعات جدید مربوط به پیشبرد امکانات و تدارکات

اهداف کنفرانس:

تعاونیها در افزایش و تقویت زمینه‌های رقابت و فرصت‌های انجام داد و ستد توسط کاسبکاران خرده پا و نیز توسعه امکانات نسبتاً محدود اشتغال‌زائی، تأثیرات عمده‌ای دارند.

انجام امور اقتصادی آ - پی - ای - سی (APEC) وابستگی تام به (اس - ام - ای - اس) و تعاونیهائی که به نحوی بعنوان ابرزار ارتقاء سطح تجارت و افزایش فعالیتها سرمایه‌گذاری تلقی می‌گردند خواهد داشت.

بنابراین، گسترش و تقویت (اس - ام - ای - اس) SMES، در دستور کار اقتصادی آ - پی - ای - سی APEC از اولویتهای بسیار بالا برخوردار است. در همین راستا و در پرتو اهمیت انکارناپذیر در منطقه آسیا - اقیانوسیه، اندونزی بعنوان یکی از اعضای فعال APEC، از تمامی جنبشهای تعاونی SMES، جهت حضور در کنفرانس شبکه تعاونیها و شرکتهای کوچک و متوسط آسیا - اقیانوسیه، در تاریخ جاکارتا - ۱۴ و ۱۵ ژولای ۱۹۹۷ دعوت بعمل می‌آورد.

عمده‌ترین هدف برگزاری از این کنفرانس عبارتست از: ایجاد درک و تفاهم عمومی نسبت به علائق و منافع متقابل، در تشکل شبکه‌های (اس - ام - ای - اس) SMES و تعاونیها در منطقه آسیا - اقیانوسیه. این هدف در حقیقت متضمن تشخیص ضرورتها در بین رهبر و کارشناسان منطقه آسیا - اقیانوسیه جهت گسترش و توسعه تعاونیها می‌باشد.

بمنظور انجام تمام و کمال این مأموریت مهم، عقاید، نظرات و پیشنهادات مؤثرتر سازمانهای ذیربط، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. لذا قبل از شروع رسمی کنفرانس، ملاقاتهایی بین رهبران و کارشناسان منطقه صورت خواهد گرفت.

- افتتاح کننده کنفرانس: سوهارتو، رئیس جمهور اندونزی خواهد بود و سخنرانان این کنفرانس عبارتند از: وزرائی از اندونزی و کشورهای خارجی شرکت کننده در کنفرانس، مسئولین بخشهای دولتی - خصوصی و آژانسهای بین‌المللی و چند ملیتی و آقای جورج ایپ.

ایشان علاوه بر اینکه یک کارشناس تحصیلکرده می‌باشند، یکی از فعالان بازاریابی نیز هستند که با ارائه یک استراتژی جهانی در این زمینه به شما در

بقیه از صفحه ۵۷

پرورش کرم ابریشم و تولید پيله با توجه به باغستانهای توت فعلی و امکان توسعه توتستان‌های موجود.

۴- ایجاد تعاونیهای تولیدی در بخش صنایع تبدیلی از تولیدات دامی از قبیل پوست، چرم، تولید مصنوعات چرمی به صورت کیف، کفش، صنایع زهتابی

۵- ایجاد واحدهای صنعتی تعاونی در زمینه صنایع غذایی بمنظور فعالیت و تولید فرآورده‌های لبنی، کمپوت‌سازی، تولید پودر شیر و سایر فرآورده‌های آن، پوره سیر و سایر فرآورده‌های آن، پوره چپیس سیب‌زمینی، بسته‌بندی و درجه‌بندی کشمش و مغز گردو و حبوبات.

۶- ایجاد واحدهای تولید صنایع دستی و صنایع مورد نیاز این نوع فعالیت مانند تولید لعاب سرامیک، کارگاه رنگرزی و همچنین تعاونیهای تولید سفال و سرامیک و فرشبافی.

۷- ایجاد واحدهای تعاونی صنایع کاربردی پتروشیمی مانند محصولات پلی‌اتیلنی و سایر محصولات شیمیایی بدلیل نزدیکی به پالایشگاه و پتروشیمی اراک.

۸- ایجاد تعاونیهای سنگبری، گرانیته، تولید پودر میکرونیزه و گچ و آهک.

۹- ایجاد واحدهای تعاونی معدنکاران جهت استخراج معادن گرانیته و سنگهای

نیل به رقابتی انتفاعی کمکهای مؤثری می‌نماید. آقای جورج ایپ با پشتوانه ده سال تجربه در بسیاری از ابعاد تجارت بین‌المللی و نیز آموزش مدیریت، قالبی جامع و چند بعدی از اوضاع رقابت در جهان بدون مرز کنونی را بشما ارائه می‌نماید.

1- AFTA

2- NAFTA

3- APEC

4- TGR

5- WTO

* Small & Medium Enterprises

شرکتهای تولیدی سطح کوچک و متوسط

آهکی صنعتی و لاشه.

۱۰- ایجاد واحدهای تعاونی آموزشی،

ورزشی، هنری بمنظور ایجاد مدارس غیرانتفاعی، استخر شنا، سالن‌های ورزشی، سینما و تاتر.

۱۱- ایجاد واحدهای تعاونی ارائه

خدمات توریستی، مانند تورهای سیاحتی، هتل، رستوران، مکانهای تفریحی در نقاطی مثل گنجانامه، تپه‌های عباس‌آباد، سراب، کیان، غارعلیصدر.

۱۲- ایجاد تعاونیهای جدید و توسعه

تعاونیهای موجود حمل و نقل کالا و مسافر زمینه‌هایی که به عنوان فعالیت جدید مورد نیاز از آنها نام برده شد عمدتاً در تکمیل زنجیره‌های تولیدات فعلی است که انتخاب آنها بیشتر بدلیل اتصال ابتدا و انتهای این فعالیتها به فعالیتهای موجود انجام گرفته و صرفه اقتصادی آنها سنجیده شده است. این فعالیتها در عین حال که در توسعه اقتصادی منطقه موثرند از جنبه‌های اشتغال‌زائی قابل توجهی نیز بهره‌مند می‌باشند. بعنوان مثال معرفی فعالیت‌هایی از قبیل ایجاد مزارع مرغ مادر، ایجاد صنایع غذایی و تبدیلی و بسته‌بندی ایجاد کارگاههای پشم‌ریسی، رنگرزی، بیشتر در این چارچوب و در ارتباط با همین مطلب و با توجه به وجود امکانات لازم جهت ایجاد آنها انجام گرفته است.

دوازدهمین نمایشگاه « کالا و اجناس اندونزی »

جار کارتا ۲۶-۲۱ اکتبر ۱۹۹۷-۴-۲۹ مهر - آبانماه ۱۷۶

مقدمه:

جمهوری اندونزی یک مجمع الجزایر وسیع است که بیش از یک دهم ناحیه استوائی را بخود اختصاص داده و از جنوب تایلند در شبه جزیره «مالای» تا شمالیترین منطقه ساحلی در استرالیا امتداد یافته است. توسعه اقتصادی - سیاسی این ملت را میبایست تحت تأثیر قرار گرفتن این منطقه در ارتباط با خاورمیانه و آسیا از دیدگاه اهمیت فعالیتهای تجاری، مورد ارزیابی قرار داد. اندونزی در گستره‌ای خاکسی بوسعت ۷۴۱/۱۰۱ مایل مربع (۱/۹۲۶ میلیون کیلومتر مربع) و آبهای منطقه‌ای تقریباً چهار برابر میزان خشکی، قرار گرفته است. در مجموع این کشور متشکل از ۱۳/۶۷۷ جزیره در طول ۳۲۰۰ مایل (۵۱۲۰ کیلومتر) از شرق به غرب یعنی معادل فاصله جغرافیائی مسکو تا لندن و ۱/۱۰۰ مایل (۱/۷۶۰ کیلومتر) از شمال به جنوب می‌باشد. اندونزی را به حق میبایست یکی از سریعترین کشورها بلحاظ توسعه در جنوب شرق آسیا قلمداد کرد.

بعنوان یک نسل جدید در میان ببرهای حوزه آسیا - اقیانوسیه، اندونزی با سرعتی چشمگیر راه خود را به قرن بیست و یکم می‌پیماید و به یکی از قدرتهای اقتصادی - صنعتی آسیا تبدیل می‌شود. کشور اندونزی با دراختیار داشتن منابع عظیم طبیعی و نیز چهارمین توده جمعیتی جهان، دوره رشد اقتصادی را با شور و هیجان و تلاشی در خور تحسین سپری کرده و بویژه در مقوله تجارت و فعالیتهای تجاری فرصتهای فراوانی را به ارمغان می‌آورد.

اعلام یک رویداد تجاری

این اقدام اندونزی در سال ۹۷، در حقیقت تکرار یک نمایشگاه تجاری سالانه است که در سطحی بین‌المللی و یا به معرض نمایش گذاردن انواع محصولات صادراتی اندونزی که صرفاً دست‌آوردهای شرکتهای تولیدی - صادراتی منتخب در اندونزی را در بر می‌گیرد - برگزار می‌گردد. این نمایشگاه منحصراً جهت خریداران کشورهای آسیای میانه و ماوراء بحار که از اقصی نقاط جهان در آن حضور می‌یابند، برپا می‌شود.

اندونزی بشرح ذیل به معرض نمایش قرار داده می‌شود:

- منسوجات و نخهای بافندگی

- لوازم و پوشاک مردانه، زنانه،

بچگانه، اسباب‌بازی، انواع کفش و دمپایی،

وسایل آرایش، انواع گل و گیاه سنتی، لوازم

تزئین منازل و ادارات، انواع نوشابه و مواد

غذائی، لوازم ورزشی، محصولات

شیمیائی، تولیدات پلاستیکی، محصولات

کائوچویی، کاغذ و فرآوردههای کاغذی،

لوازم یدکی انواع خودرو، بلورآلات و

ظروف شیشه‌ای، لوازم و تجهیزات



حدود ۶۵۰ شرکت تولیدی - صادراتی اندونزیائی در این نمایشگاه حضور می‌یابند. طی سالها، نمایشگاه تولیدات داخلی اندونزی به یک رخداد مهم تجاری در سطح بین‌المللی مبدل گردیده است که بیش از ۴۵۰۰ خریدار از ۹۵ کشور جهان را به عنوان بازدید کننده در خود می‌پذیرد.

کالاهای ارائه شده در نمایشگاه

* در این نمایشگاه کالاهای تولید شده در

الکترونیکی، اشیاء تزئینی و هنرهای دستی، صنایع دستی و پوشاک تزئینی، قهوه، چای، انواع چاشنی، انواع روغن، انواع ماهی، میگو و غذاهای دریائی، لوازم نظامی انواع دارو، تولیدات معدنی، تجهیزات سنگین، انواع تولیدات فلزی، فرآوردههای کشاورزی، لوازم و مصالح ساختمانی، تجهیزات و لوازم موردنیاز هواپیما، کشتی، لوکوموتیو و سایر ملزومات شناورهای دریایی و ...

ریال بوده که از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب ۲/۱۸ درصد و ۰/۸۴ درصد از صادرات محصولات معدنی کشور را به خود اختصاص داده است. سهم وزنی و ارزشی صادرات مواد معدنی در کل صادرات بخش تعاون به ترتیب ۱۹/۲۲ درصد و ۰/۷ درصد بوده که بدون در نظر گرفتن صادرات پسته به ۲۴/۲۸ درصد و ۱/۶۶ درصد افزایش می‌یابد.

سنگ و نما و مصالح ساختمانی به ترتیب با اختصاص ۸۳/۲۵ درصد و ۱۳/۰۶ درصد از ارزش صادرات محصولات معدنی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی عملکرد صادراتی تعاونیه‌های تمت پوشش در استانها

بدلیل سهم عمده صادرات پسته در کل صادرات بخش تعاون بمنظور مقایسه دقیق صادرات عملکرد تعاونیه‌ها در استانها از صادرات پسته در این تحلیل چشم‌پوشی می‌نمائیم.

با این فرض سهم صادرات تعاونیه‌های کرمان از ۶۶/۸۲ درصد به ۲۱/۸ درصد کل صادرات تعاونیه‌ها تقلیل می‌یابد و به همین ترتیب بعد از صادرات اتحادیه‌های سراسری کشور که ۴۹/۷۹ درصد صادرات تعاونیه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، استانهای کرمان، اصفهان، کرمانشاه و آذربایجان شرقی به ترتیب با ۲۱/۸ درصد، ۸/۸ درصد، ۵/۰۱ درصد و ۴/۴۹ درصد ارزش کل صادرات، بیشترین صادرات را داشته‌اند و هفده استان دیگر در مجموع ۳۸/۷۱ درصد وزن و ۱۰/۱۱ درصد ارزش صادرات تعاونیه‌ها را بخود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۵) و (۶) به ترتیب ارزش و مقدار صادرات تعاونیه‌های تحت پوشش را بر حسب گروه کالا در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهند.

مقصد محصولات صادراتی تعاونیه‌ها

باتوجه به تنوع محصولات صادر شده توسط تعاونیه‌ها، مقدار و ارزش محصولات صادر شده به هر کشور نیز متفاوت می‌باشد. روسیه و کشورهای آسیای میانه، حوزه خلیج فارس و آسیای جنوب شرقی به ترتیب با ۳۷/۲۳ درصد ۲۷/۵۱ درصد، ۱۱/۴۶ درصد و ۱۰/۷۶ درصد بیشترین واردات را از تعاونیه‌های کشور داشته‌اند و سایر کشورها در مجموع با

۱۹/۶۴ درصد وزن ۱۳/۰۴ درصد از ارزش صادرات تعاونیه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

مقایسه سهم وزنی و ارزشی محصولات صادر شده نشان می‌دهد که کشورهای آسیای میانه، حوزه خلیج فارس، ایتالیا، پاکستان، ترکیه و هند به نسبت خریدار محصولات پر حجم و ارزانتر بوده‌اند.

بقیه از صفحه ۶۳

(مانند وضعیت اشتغال و درآمد و وضعیت اجتماعی) چنین مردمی و محیط اجتماعی آنها می‌باشند.

کلام پایانی (نتیجه‌گیری):

ملاحظه نمودیم که هنگام تغییرات شدید ناشی از برنامه‌های تعدیل ساختاری، تعاونیه‌های مستقل و خود اتکا سازمانهایی هستند که توان بالقوه قابل ملاحظه‌ای برای کمک رساندن به اهداف بلندمدت (مثبت) برنامه‌های تعدیل ساختار دارا بوده و اثرات جانبی - منفی برخی از اقدامات تعدیل را تخفیف می‌دهند.

اگر چه توان بالقوه تعاونیه‌ها در زمینه تعدیل ساختار بنایستی بیش از واقع برآورد شود، لیکن بایستی تعاونیه‌ها بعنوان یکی از چند شکل سازمانهای خصوصی که می‌توانند منابع بیکار را بسیج نموده و آنها را در زمینه‌های تولیدی بکار گیرند و اعضایشان و کشور را بعنوان یک کل (بطور غیر مستقیم) منتفع سازند، در نظر گرفته شوند.

وظیفه سازمان بین‌المللی کار تقویت سیاستها و برنامه‌هایی است که روحیه فعالیت، تأسیس و توسعه تعاونیه‌ها به منظور ایجاد مشاغل جدید، کاهش بیکاری و بهبود شرایط کار در وسیعترین حد ممکن را تشویق نمایند. این امر متضمن تقویت ظرفیت مؤسسات محلی تأمین مالی و مؤسسات مشاوره‌های تکنولوژیکی یا

تعلیماتی و همچنین بهبود روش کار آنها برای ارتقای سطح بهره‌وری تعاونیه‌ها و فعالیت اعضایشان می‌باشد. علاوه بر اینها هنگامیکه آزادی استقرار یک فعالیت بواسطه توان سرمایه‌گذاری (یا به عبارت دیگر به علت محدودیت دسترسی به اعتبار) محدود می‌شود، کار می‌تواند دنبال شود و برنامه‌های تعاونی از استقرار و تقویت پوشش مالی گروه‌های کم درآمد در مناطق روستایی و بخشهای غیر رسمی حمایت نمایند. (کنفرانس بین‌المللی کار، ۱۹۹۲)

مأخذ:

Asia Rural Cooperatives , Editor K.K. Taimni , Westview Press , Oxford 1994

پانویسها:

۱- به نظر مترجمه کلمه تنظیم معادل صحیح‌تری برای کلمه adjustment اما به منظور همسانی با سایر متون فارسی از کلمه تعدیل استفاده شده است.

2- International Labour organization (ILO)

3- Structural adjustment Programs (SAPS)

۴- در این قسمت نویسنده نسبت به نقش مفید سمپوزیوم

در جهت اعتلای تعاونیه‌های کشاورزی ... ابراز امیدواری

کرده که به منظور پیوستگی مطالب از درج آن در متن

ترجمه خودداری شده است (مترجم).

5- deregulation 6- decentralisation

7- defficialisation 8- national consensus

9- transitional costs

10- Farmework conditons 11- Sahel

12- Framework conditigns

13- Liberalisation

14- Services cooperatives

15- Labour contraction cooperatives

16- Disadvantaged groups

17- Social content

18- Disabled groups

19- Positive alternative

20- Workshop

۲۱- باتوجه به زمان نگارش مقاله مقصود نویسنده آوریل

سال ۱۹۹۳ می‌باشد (مترجم)